

بقلم دانشمند محترم
سید صدرالدین بلاغی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

« هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق ، لیظهره علی الدین
کله ولو کره المشرکون » .

بمناسبت فرا رسیدن عید سعید مبعث حضرت خاتم انبیاء محمد بن عبدالله صلی الله
علیه و اله که بزرگترین حادثه تاریخ بشری و عظیم ترین نعمت و رحمت الهی است ، صمیمی
ترین تبریکات خود را بجهان اسلام تقدیم میدارم .
برای روشن شدن اهمیت و عظمت این عید بزرگ ، لازم است دور نمایی از اوضاع
عمومی دنیای قبل از بعثت را از زبان امیرالمؤمنین علی علیه السلام بشنویم ، که ترجمه آن
از این قرار است .

خدای تعالی در روزگاری پیغمبر خود را فرستاد که چراغ هدایت و تربیت پیغمبران
پیشین فرو مرده و افسرده بود و ملل جهان در خوابی طولانی و عمیق فرو رفته بودند و فتنه
از هر سو برخواسته بود . پیوندهای امور از هم گسیخته و آتش جنگ از هر طرف زبانه کشیده
بود و آفتاب معرفت و فضیلت در کسوف و سراب غرور در صحرای سوزان زندگی نمایان بود .
جهان منظره پامیزی غم انگیز داشت ، برکهای درخت زندگی زرد شده میوه ای بر شاخسارش
نبود . آثار هدایت مندرس و علمهای مرک در هر سو باهتزاز بود . دنیا با قیافه ای خشمناک و
چهره ای عبوس بروی اهل خود نگاه میکرد . میوه درختش فتنه و طعامش جیفه و دلها پر از
ترس و دستها بر قبضه شمشیر بود .

در چنین دنیای پریشان و بی سر و سامانی دعوت الهی اسلام مانند روح در پیکر
افسرده و بیجان دنیای آن عصر دمیده شد و همچون یک رستاخیز عمومی ملل جهان را از
گورستان جهل و خرافت برانگیخت و کفنه های فساد اخلاق و اسارت کشیشان و کاهنان را چاک

زد و کرد و غبار ذلت و بت پرستی را از سر و روی اقوام و ملل گیتی فرو ریخت .
خواند مزمل نبی را زین سبب
که برون آی از گلیم ای بوالهرب
سر مکش اندر گلیم و رو میوش
که جهان جسمیست سرگردان توهوش
باش کشتیبان در این بحر صفا
که تو نوح ناثی ای مصطفی
تا هزاران مرده بر روید ز خاک
خیز و در دم تو بصور سهمناک
رستخیزی ساز پیش از رستخیز
چون تو اسرافیل وقتی راست خیز
خویش بنما که قیامت یک منم
هر که گوید کو قیامت ای صنم

این روح نیرومندی که جهان مرده را در قرن ششم میلادی حیاتی تازه بخشید جوهر
تعلیمات اسلام یعنی حقیقت توحید است ولی باید شنوندگان محترم با دقت در نظر داشته باشند
که مقصود ما از توحید در اینجا منحصر بتوحید خدا در برابر شرک نیست بلکه توحید بکرواح
کلی و معنای عمومی است که در سراسر مظاهر تربیت اسلام پدیدار است . و این معنای از توحید
همه اموری را که برای الفت و وحدت و تعاون و تضامن ملت اسلام بلکه جامعه بشر لازم باشد
متضمن و شاملست و از توحید خدا گرفته تا توحید عقاید تا وحدت کلمه و اتحاد در هدف های
زندگی و هم آهنگی میان اغراض و مقاصد دینی و دنیوی همه در این معنای عمومی توحید
مندرج است . و برای نشر این توحید دامنهدار بود که پیغمبر اسلام آن همه رنج و مشقت را
در برابر عناد و سر سختی شرک و کفر و جهل و عصبیت مشرکین و ارباب غرض و هوی و
هوس تحمل کرد .

پیغمبر اکرم اسلام (ص) در زمان و مکانی بتوحید خدا و یکتا پرستی دعوت کرد
که هر قبیله ای خدائی داشت و انسان خود را از حیوان و درخت و سنک و چوب خوارتر می شمرد
و در برابر جمادی بیجان و فاقد نفع و ضرر سجده میگذارد . آنگاه پس از توحید خدا که
رکن اعظم دینست رسول اکرم (ص) شروع بتوحید آراء و افکار فرمود و سعی و کوششی
قبائل و اقوام را که همه مصروف کار شکنی و معارضه با یکدیگر میشد هم آهنگی بخشید و
در یک مبعرای صحیح بنفع عموم بجزریان آورد و برای تامین این منظور پیمانهای محکم منعقد
کرد و رعایت پیمان را از اصول اخلاق و مورد توصیه اکید قرار داده پیمان شکنی را گناهی
عظیم شمرد .

میان افراد مهاجرین از طرفی و هیان مهاجرین و انصار از طرف دیگر پیمان اخوت منعقد گردید و دو قبیله بزرگ مدینه یعنی اوس و خزرج را که قرن‌ها بتحریریک یهود بجنک و خونریزی پرداخته سر رشته زندگی را از کف داده بودند مانند شیر و شکر بهم درآمیخت و ملتی بوجود آورد که نسبت بهم از برادر مهربانتر و در برابر دشمن از فولاد سخت‌تر و مصداق (اشداء علی الکفار رحماء بینهم) بودند.

دو قبیله که اوس و خزرج نام داشت	یک ز دیگر جان خون آشام داشت
کینه‌های کهنه شان از مصطفی	محو شد در نور اسلام و صفا
اولا اخوان شدند آن دشمنان	همچو اعداد غیب در بوستان
و زدم المؤمنون اخوه به پند	در شکستند و تن واحد شدند
آفرین بر عشق پاک اوستاد	صد هزاران ذره را داد اتحاد
همچو خاک مفترق پز رهگذر	یک سپوشان کرد دست کوزه‌گر

پس از این مرتبه از توحید پیغمبر اکرم (ص) بتوحید سیاسی توجه فرمود و میان مسلمین و یهود پیمانی بر اساس عدالت برقرار کرد و بعلاوه حدود و حقوق همسایگان را بوسیله عهدنامه‌ها روشن کرد و محترم شمرد.

سپس بتوحید ادیان دعوت کرده و کسانی را که در دین خود بدعتها و اختلافات بوجود آورده و در نتیجه دسته دسنه و پراکنده شده بودند و بتوحید ادیان و بازگشت از پراکندگی و توجه به سرچشمه صافی این که مقام اتحاد و از میان رفتن اختلافاتست ارشاد فرمود و بفرمان خدا نامه‌ای باینمضمون برای پیشوایان اهل کتاب نوشت: (ای اهل کتاب بکلمه و عقیده که میان ما و شما مساویست بگروید تا جز خدای یگانه را نپرستیم و چیزی را با او شریک نسازیم و بعضی از ما بعضی دیگر را برای خدای یگانه پروردگار خود قرار ندهد) آنگاه برای ایجاد این توحید همه را به پیروی از دین حنیف ابراهیم که سرسلسله پیغمبران اهل کتاب و مورد تصدیق تورات و انجیل بود دعوت کرد و همه ادیان پیغمبران گذشته را تصدیق کرد و فرمود ایمان آوردیم بخدا با آنچه بر ما نازل شده و با آنچه بر ابراهیم و اسحق و یعقوب و اسباط نازل شده و با آنچه بموسی و عیسی و دیگر پیغمبران از پروردگارشان داده شده، میان هیچکدام از ایشان فرقی نمیگذاریم و ما

در برابر او تسلیم شده ایم .

سپس پیغمبر اسلام (ص) از این مرتبه قدم بدائره وسیعتری از توحید نهاد و جامعه بشریت را بترك اختلافاتی که مایه بدبختیهاست دعوت کرد و برای رسیدن باین منظور قبیلگی و تفوق نژادی را که علت بروز جنگها و خونریزیهاست برهم زد و کاخ نخوت ملوک و روحانی نمایان را واژگون ساخت و مقیاسهای باطلی را که از روزگار قدیم برای تقدم و تفوق بر قرار کرده و میزان سنجش عظمت قرار داده بودند درهم شکسته و تنها علم و تقوی را میزان برتری و ملاک قرب بخدا قرار داد تا باریت ایندو امتیاز و سبقت گرفتن مردم بتحصیل علم و تقوی سعادت بشر تا مین شود و عقل بشر بوسیله علم و روش بمدد تقوی رو بسر منزل کمال سیر کند ،

اسلام با این اصلاح فرهنگی و روحی امتیازات قبیلگی و نخوت و تفوق غنی بر فقیر و سفید پوست بر سیاه پوست را باطل ساخت و بشریت از هر قبیله و نژاد و ساکن هر قاره در برابر حق در يك صف متساوی قرار داد چنانکه پیغمبر اگر در خطبه وداع فرمود : و همانا که پروردگار شما یکی است و پدرتان یکی است و همه شما از نسل آدمید و آدم از خاکست گرامیترین فرد شما نزد خدا پرهیزگارترین فرد شماست هیچگونه برتری و امتیازی برای یکفرد عربی بر فرد عجمی نیست مگر بتقوی .

یکی دیگر از مراتب توحید که دشوار معظم (ص) در راه استقرار آن همت گماشت توحید و هماهنگی میان دین و دنیا بود اسلام دره عمیقی را که از روزگار قدیم میان دین و دنیا پدید آمده بود مسطح و هموار ساخت و دنیا و دین را مانند تن و جان بکممک یکدیگر قرار داد و همه امور روحی را با شئون جسمی اتصال و ارتباط بخشید و بیان کرد که مسلمان کامل کسی است که در عین اشتغال بزراعت و تجارت و سیاست و دیگر امور دنیوی بتکالیف دینی خود قیام کند و گردد و غبار آسای هوی و هوس مادی بر چهره روحش ننشیند و در هیچ حال خدا را فراموش نکند تا مانند آفتاب از اوج آسمان جلال روحی موجودات جهان خاکی را تربیت کند و در راه کمال پیش برد بهمین مناسبت پیشوای اسلام بشخص در همه مراحل زندگی اجتماعی شرکت داشت هم زعیم سیاست بود و هم جماعت و هم فرمانده سپاه و هم مرد اقتصاد و تجارت .

از آنچه تا کنون عرض شد بخوبی ثابت گشت که توحید اصل اساسی تربیت اسلامست و

در اثر تمسك باين اصل مقدس بود كه مشتی عرب بدوی ناتوان و نادان و فقیر در مدت کوتاهی پیشوای بشریت و وارث علم و قدرت ملت‌های بزرگ جهان شدند و از آنروز كه مسلمانان دست از حبل‌الله توحید برداشته راه اختلاف و پیروی از اغراض پست مادی را پیش گرفتند و خدای یگانه را فراموش کردند و بیچاره بینوا شدند و دل نیرومند جهان بر مال و جان و وطن و آبروی ایشان چوب‌حراج زدند و جای تردید نیست كه جز بوسیله تمسك بتوحید از این ورطه خطرناك نجاتی نخواهد بود امید است خدای تعالی باریك‌چراغ توحید را در دل ما بیفزود و از برکت این عید سعید روزگار مجدد و عظمت باستانی ما را تجدید فرماید .

